

والصحة كمال التقوى بسبب از ابرار و در وقت طهارت و الاطعام و الصلاة

قل انفعنا بطريقك يا ذا الجلال والإكرام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخاب ساله آن مهبط انوار خدایع حضرت شیخ نجم الدین کرکاتی
قدس الله سره الفوز بدان از عزیزان الله طالبان جنات
بسته میگردد بمعاظرت مثل نماز و روزه و عبادت بیدار
اصدق رددیه و در کبر نفس و بخت و عنایت در قضاوت
لاموت طبران نماند لیکن ظهور این امر منوط کرده قاعده است
اول توبه و آن بابت من از گناه آنچه از غرضی باشد دوم زهد
آن برون آمدن از ارزو و ما بر حقیقتی بجوم توکل و آن برون

آمدن است

و فی قلبه نور و فی قلبه نور و فی قلبه نور
و فی قلبه نور و فی قلبه نور و فی قلبه نور

آمدن است از مدح و سبب و در سبط یعنی باغبان و کرم خداوند
بهارم فتاوت و آن برون آمدن است از تمتعات بهم ستم عزت
و آن ترک امیرش بود از ما سوره الهه الی فی طب و صحت بکمال
ششم ذکر آن برون آمدن بود از یاد و غرضی هفتم توبه و آن در
آوردن توبه بخدمت بعبادت و بر آمدن از ما مدعیات ششم
صبر و آن ثابت داشتن قدم است بر سبط بعبادت و عادت
و ادن نفس بر مایهت عادات بنم مراقبه است و آن بود
درستی نور مدینه است از ظهور مایه نفسی و روح بسبب
استغاثت و صحت حقیقی در هم رضا و آن انوار و انتفا در کایت
و سکنت ظلی و در هر یک است نسبت با اوده الهه بالو نماند
که آنچه در او در می شود و بر آمدن از رضا خود بدخورد و صفت حقیقی
ابر الیه بقصد و فاروسنا ترا بر منور اجابت شد بوقت بر
دل در بی اندر آن نگه بگوشاید بدل داری بسبب است

تعالی الله تعالی و صلوات الله علیهم اجمعین
مقصدی غیری میسر برین شعر گفت صلوات الله علیهم اجمعین
صالحی و غیره از این شعر گفت صلوات الله علیهم اجمعین
فکانتا حداد الکعبه سبعین مرة صلیت علیها صلیت علیها صلیت علیها
صالحی و غیره از این شعر گفت صلوات الله علیهم اجمعین
صالحی و غیره از این شعر گفت صلوات الله علیهم اجمعین

و یاعا بایه الذین امنوا ذکر الله الذکر کثیرا و یومئذ یسئلکم
عما کنتم تعملون

خداوند هر از خود برید با خدا آرمید هر یک که خطه نرد
دور رفتن بد از دور در خوابها فرایند هر جا بد
باشی زرد او باشی که از نزدیک بودن هر زاید
سجده ای که می نهند هر چه بگفت برکت است
و صدق رضا و حساب معاملات و قبولی و قضا
شماره اند علیه لا تقنند کدام الله بحق نزدیک است
گفت صدق با حق و رقی با خلق از کلام آگاه
است همان منکر است در کرم خود بزرگ
مقصود است کار اگر دشوار اگر آسان بود
شش فصلت جمله آسان بود در کشف الله
سر از موقوف است رحمت بر عالمگهان است
و جنت را از مومنان رحمت بر کفر نهد اگر تا اهل
عصیان رقم نومید در حق خود نکند زیرا که

نگاه

کنانه هر چند عظیم است رحمت از آن عظیم تر قطعه
کنه ما خود زبونان را شفا عفو است افزون تر از کناه
همه فطره از بر رحمت تو بس است شناسنی
نامه سپاده همه فطوره مانهای دشمنان بر او در دم در
در دعا نقد فیض ده بدست ما کنه کاران همه
قاضی حاجات و مسکنیان و دروینان نوی
بسی روانه از کرم حاجات محتاجان همه
از سخنان شاه شکر است عینه از عباد
شروعیت فواج انواع و اگر صفت خواهی
انقطاع با فی صداع نه زنده یکا نوصدای برای
بید نیست زنده بجا بند یکا شرمیند کمینت
خا و دان درنده دل زنده دار زنده شمس
باش و منب باش از بر زکیا که بسوزند از آن

سلامت ایمان چیست گفت عذرهای کردن
و ناکرده اندک نشستن و در همه حال خود را موقوف
دیدن و در وقت غضب خواهی نفس فرو بردن
و عیب مردم پوشیدن سه علم است اول
اسرار است طاعت کردن میان بسیار
سوز جان و زرد دل بر روی کفین متاع الحیا
نشان نهد کسی احمد است حضرت گویند اصل
طاعت فریضه است و اصل تقوی می نفس
و خوف در جان تولد یابند از میان بی سلامت
خوف ترک معصیت است و عبادت اوست
رفیق است در طاعت موی لا اله الا الله
از غافل از خوان کل خوف و کلاب کن
دل بکبرانش نفس کرم اب کن
سخ

شروع از برای سوختن در راه رفتن است
دل را ندادند اندر بالین خواب کن
با غیر نور کل و نسیم صبا میتوان شدن
که گذر از خونش چها میتوان شدن
شتم بافتاب رسد از فنا و کج نیک
که از کجایی می میتوان شدن بر مردی شست
از غریب وقت نمیزد هنگام امتنا ز کس نه
وقت تغافل و اغماض نقد عمر کلام را
عوضی و بدی نیست و ندرت گذر زنده
منفرد نه امروز همان به فریبگار آید
و فردا همان بکار آید امروز در عمل آید
که تقصیر در افسوس تا جان در بدن آید
هر لب کردن که محک در دهن آید

